

به نام خداوند جان و خرد

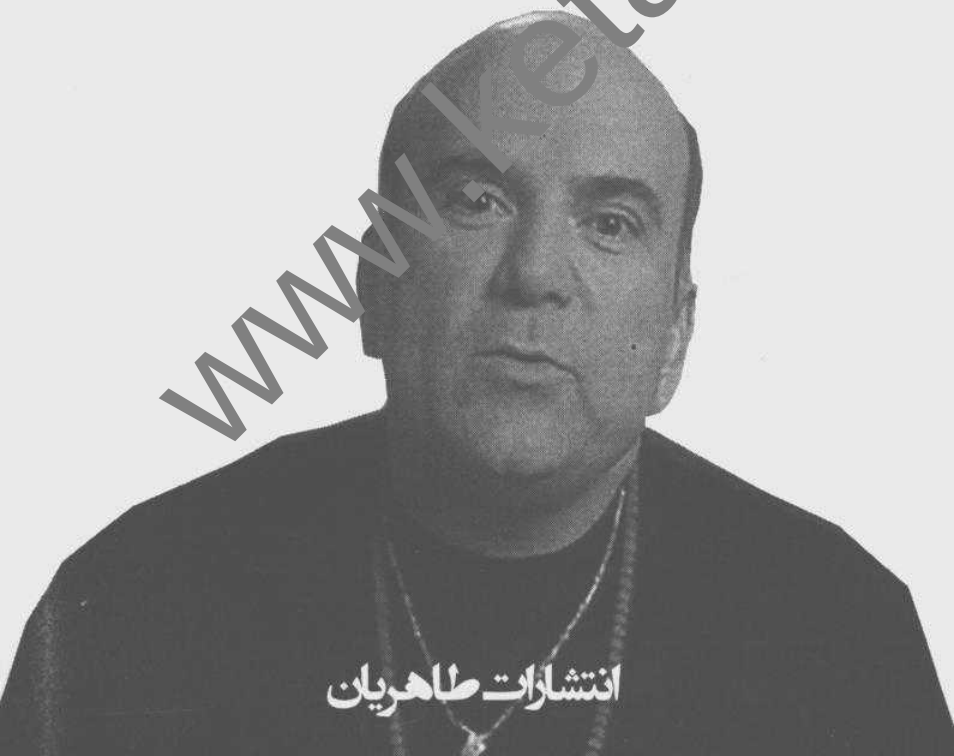
۱۸۳۲۲

راز ثروت

بزرگترین راز کسب ثروت در طول تاریخ

شاهکاری از دکتر جو ویتالے

ترجم: مجتبی قره باقی



انتشارات طاهریان

سرشناسه: ویتال، جو، ۱۹۵۲ - م.

Vita, Joe

عنوان و نام پدیدآور: راز ثروت: بزرگترین راز کسب ثروت در طول تاریخ/جو ویتال؛ مترجم مجتبی قره‌باغی.

مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۵-۶۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The greatest money-making secret in history.

عنوان دیگر: بزرگترین راز کسب ثروت در طول تاریخ

عنوان دیگر: بزرگترین راز ثروت در طول تاریخ

موضوع: ثروت - جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع: پول - جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع: رفاهیت - جنبه‌های روان‌شناسی و کار - جنبه‌های روان‌شناسی

شناسه افیس: قره‌باغی، مجتبی، ۱۳۶۰ - مترجم

رده بندی کنگره: ۹۲۳ - ب۹ - HB ۲۰۰۹

رده بندی دیویی: ۶۵۱ - ۲۰۰۹

شماره کارشناسی ملی: ۳۷۵۲۲۹۱



انتشارات طاهریان

«راز ثروت: بزرگترین راز کسب ثروت در طول تاریخ»

• نویسنده: دکتر جو ویتال • مترجم: مجتبی قره‌باغی

• ناشر: انتشارات طاهریان • نوبت چاپ: اول • سال چاپ: ۱۳۹۴ • تیراژ: ۵۰۰ جلد

• طرح جلد: آرزو خسرویور • قیمت: ۶۰۰۰ تومان • لیتوگرافی: چاپ جلد: ژیک

• چاپ متن: چاپ سجده • صحافی: ناصر • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۳۵-۶۵-۳

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱

تلفن: ۰۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۳۹۲۷۳۳ تلفکس: ۰۶۶۹۷۴۱۵۲ www.Taherianpress.com

با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره

۰۶۶۴۹۲۷۳۳۱ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

فهرست:

- ۱۱ بزرگ‌ترین راز درآمدزایی در تاریخ!
- ۱۸ بزرگ‌ترین راز فعال کردن این قانون
- ۲۱ بزرگ‌ترین راز سر به مهر ثروت
- ۲۴ مراقب این دام بزرگ باشید
- ۲۷ اعتراف بزرگ من
- ۳۰ مراد بزرگ من که ۳۰ میلیون دلار بخشید
- ۳۲ بخشش دقیق چیست؟ آیا شما «طرز تفکر معامله‌ای» دارید؟
- ۳۵ پول را نشانم بده!
- ۳۷ بزرگ‌ترین اصول داری مغرور
- ۳۹ چگونه می‌توان همچون آفریدگار کرد؟
- ۴۳ اشتباه بزرگ لئو بوسکاگلیا
- ۴۶ آیا چیزهای رایگان ارزشی دارند؟
- ۴۷ اعتقاد محدود کننده راجع به پول - و اینکه چگونه می‌توان از همین حالا آنها را از بین ببرید
- ۵۰ روشنفکری به وسیله ایمیل و اینکه چگونه می‌توان به رویای ایجاد شرکت بزرگ توت جامع عمل پوشاند
- ۵۶ بخشش چطور به دارایی یک و نیم میلیون دلاری ختم می‌شود؟
- ۶۴ قانونی که هیچ گاه دچار شکست نمی‌شود
- ۶۹ بخشش واقعی همیشه با دریافت همراه است
- ۷۱ بخشیدن و دریافت کردن: مطلبی که هیچ کس تا به حال راجع به آن حرفی به شما نزده
- ۷۶ چطور می‌توانید به آن چیزی که می‌خواهید برسید
- ۸۱

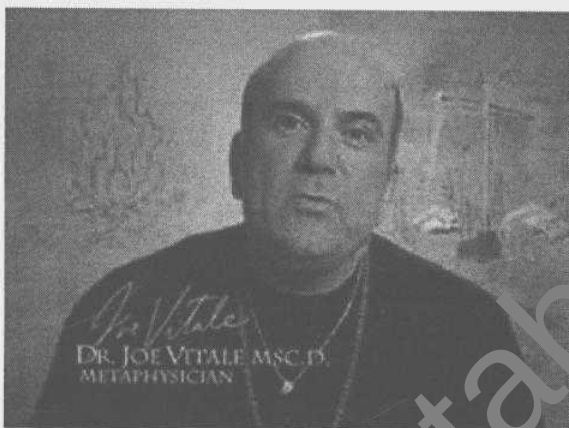
- در صورت نداشتن پول چه چیزی را می‌توان بخشید..... ۸۴
- ۳۰ سال طول کشید تا به این راز پی بردم..... ۸۸
- چگونه بخشش و گرفتن موقعیت یکدیگر به درآمد ثابت می‌انجامد..... ۸۹
- چگونه بخشش منجر به پرفروش شدن یک کتاب می‌شود..... ۹۱
- اصول بخشیدن و پدیده مبادله هیپنوتیزمی یا خواب‌آور..... ۹۳
- را بخشش معامله‌ای کاملاً پنهان است..... ۱۰۰
- زرجی که امبراتورری معنوی قرض رایگان را ایجاد کردند..... ۱۰۵
- اگر پول را شوی چگونه حرف می‌زنید..... ۱۰۷

فهرست:

- ۱۱ بزرگ‌ترین راز درآمدزایی در تاریخ!
- ۱۸ بزرگ‌ترین راز فعال کردن این قانون
- ۲۱ بزرگ‌ترین راز سر به مهر ثروت
- ۲۴ مراقب این دام بزرگ باشید
- ۲۷ اشتباه بزرگ من
- ۳۰ مرد بزرگ که ۳۰ میلیون دلار بخشید
- ۳۲ بخشش حقیقی چیست؟ آیا شما «طرز تفکر معامله‌ای» دارید؟
- ۳۵ پول را نشانم
- ۳۷ بزرگ‌ترین اصول نکر معنوی
- ۳۹ چگونه می‌توان همچون آفریدار کرد
- ۴۳ اشتباه بزرگ لئو بوسکاکیا
- ۴۶ آیا چیزهای رایگان ارزشی دارند
- ۴۷ اعتقاد محدود کننده راجع به پول - رایج: چگونه می‌توان از همین حالا آنها را از بین ببرید
- ۵۰ روشنفکری به وسیله ایمیل و اینکه چگونه می‌توان به راه‌های ایجاد شرکت بزرگ توت جامع عمل پوشاند
- ۵۶ بخشش چطور به دارایی یک و نیم میلیون دلاری ختم می‌شود
- ۶۴ قانونی که هیچ گاه دچار شکست نمی‌شود
- ۶۹ بخشش واقعی همیشه با دریافت همراه است
- ۷۱ بخشیدن و دریافت کردن: مطلبی که هیچ کس تا به حال راجع به آن حرفی به شما نزده
- ۷۶ چطور می‌توانید به آن چیزی که می‌خواهید برسید
- ۸۱

- در صورت نداشتن پول چه چیزی را می‌توان بخشید ۸۴
- ۳۰ سال طول کشید تا به این راز پی بردم ۸۸
- چگونه بخشش و گرفتن موقعیت یکدیگر به درآمد ثابت می‌انجامد ۸۹
- چگونه بخشش منجر به پرفروش شدن یک کتاب می‌شود ۹۱
- اصول بخشیدن و پدیده مبادله هیپنوتیزمی یا خواب‌آور ۹۳
- چرا بخشش عامله‌ای کاملاً پنهان است ۱۰۰
- زویی که امپراتوری معنوی قرض رایگان را ایجاد کردند ۱۰۵
- اگر پولدار شوی چگونه حرف می‌زنید ۱۰۷

مقدمه



سال‌ها قبل در یکی از روزهای گرم تابستان، به سمت فروشگاه خواربار می‌رفتم تا دو قلم جنس سردیاز خود را تهیه کنم. در آن روزها اغلب مجبور بودم به سوپرمارکت هر بزنم چون وضعیت مالی‌ام آنقدر خوب نبود که به یکباره برای کل هفته خرید کنم.

چند ماه قبل از این ماجرا همسر جوانم را پس از مبارزه‌ای غم‌انگیز با سرطان از دست داده بودم. هیچ بیمه‌ای در کار نبود. تنها مخارج فراوان و انبوهی از صورت حساب‌ها روی دستم مانده بود. کار پاره‌وقتی برای خود دست و پا کرده بودم که به زحمت پول ناچیزی از آن عاید می‌شد تا شکم دو فرزندم را سیر کنم. شرایط بسیار بدی بود، بسیار بد.

آن روز با قلبی آکنده از درد، برای خرید یک گالن شیر و یک قرص نان به سوپرمارکت می‌رفتم درحالی‌که فقط چهار دلار در جیبم بود. بچه‌ها گرسنه بودند و باید چیزی برای آنها تهیه می‌کردم. وقتی به پشت چراغ قرمز رسیدم، توجهم به سمت راستم جلب شد که یک زن و مرد جوان

به همراه کودکی بر روی چمن‌های کنار جاده نشسته بودند. آفتاب نیم‌روزی بی‌امان بر آنها می‌تابید.

مرد یک کاغذ مقوایی با این عنوان در دست داشت: "ما گرسنه‌ایم، به ما کمک کنید." زن در کنار او ایستاده بود. او فقط به خودروهایی که پشت چراغ قرمز ایستاده بودند نگاه می‌کرد. کودک که حدوداً دو ساله به نظر می‌رسید، بوی چمن‌ها نشسته بود و عروسکش را که فقط یک دست داشت در آغوش گرفته بود. من تمام این چیزها را در مدت سی ثانیه که چراغ قرمز به سبز تبدیل شد، دیدم.

با تمام وجود می‌خواستم به آنها کمک کنم، ولی در این صورت پول کافی برای خرید شیر و نان برایم باقی نمی‌ماند. چهار دلار در حد برآورده کردن نیاز خودم بود. با تغییر رنگ چراغ راهنمایی، برای آخرین بار نگاهی به آنها انداختم. برای کسی که عذاب وجدان (برای کمک نکردن به آنها) و ناراحتی (برای نداشتن پول کافی که با آنها تقسیم کنم) لحظه‌ای رها می‌کرد.

همانطور که داشتم به رانندگی ادامه می‌دادم، نمی‌توانستم تصویر آن سه نفر را از ذهنم محو کنم. چشمان ناراحت و محتاج آن مرد و خانوادهاش تا حدود یک کیلومتر همراه من بود. دیگر قادر به تحمّل بوم، من دردتان را احساس کرده بودم و باید کاری برایشان می‌کردم. پس دور زده و به سمت جایی که آنها را دیده بودم برگشتم. ماشین را در نزدیکی آنها متوقف کردم و نصف پولم را به آنها دادم. در همان حال که مرد داشت از من تشکر می‌کرد، اشک از چشمانش جاری شد. من لبخندی زده و به سمت سوپرمارکت رفتم. دعا دعا می‌کردم که شیر و

نان آنروز حراج باشد؛ و اینکه مگر چه می‌شود اگر فقط شیر یا حتی نان را به خانه می‌بردم؟ خب، راهی جز این نداشتم. وارد پارکینگ فروشگاه شدم، درحالی‌که هنوز هم به کل ماجرا فکر کرده و از بابت کاری که انجام داده بودم حس خوبی داشتم. وقتی داشتم از ماشین پیاده می‌شدم، پایم روی شیئی در پیاده‌رو لیز خورد. ناگهان در کنار پای خود یک بن بیست دلاری پیدا کردم. باورم نمی‌شد. به اطرافم نگاه کرده و به تریس آن را برداشتم. سپس به طرف فروشگاه رفته و نه تنها شیر و نان، بلکه پیرایه‌هایی که شدیداً به آنها نیاز داشتم را تهیه کردم.

هیچ وقت نتوانسم آن حادثه را فراموش کنم. آن اتفاق باعث شد که بدانم جهان بسیار عجیب و رموز است. همچنین باعث شد باور کنم که هیچگاه نمی‌توان از اتفاق جهان مطلع شد. من دو دلار به دیگران کمک کردم و بیست دلار به دست آوردم. در راه بازگشت از سوپرمارکت، از کنار خانواده گرسنه گذشتم و پنج دلار دیگر نیز به آنها دادم. این حادثه تنها یکی از حوادث اتفاق افتاده در زندگی من بود. به نظر می‌رسد که هرچه بیشتر ببخشیم بیشتر به دست می‌آوریم. شاید هم این یکی از قوانین جهانی است که می‌گوید: "اگر می‌خواهی چیزی به دست آوری، ابتدا باید ببخشی."

شعر کوتاهی نیز در این باره وجود دارد که این گونه شروع می‌شود:

"همان مردی که می‌گفتند مجنون است و دیوانه

به آن حدی که می‌بخشید، پر می‌کرد کاشانه"

اکثر اوقات فکر می‌کنیم که چیزی برای بخشیدن نداریم. با این حال اگر کمی بیشتر دقت کنیم، خواهیم دید که حتی همان مقدار ناچیز هم

می‌تواند با دیگران تقسیم شود. نباید منتظر شویم که دارایی زیادی داشته باشیم و آنگاه تصمیم به بخشش بگیریم. با بخشیدن و تقسیم موجودی ناچیزمان، درهای گنجهای جهان را به روی خود باز می‌کنیم و به اتفاقات خوب اجازه می‌دهیم که به سمت ما بیایند.

تنها حرف مرا سند قرار ندهید. فقط با صداقت برای بخشش تلاش کنید تا از نتایج حاصل شگفت‌زده شوید. به طور کلی، این رویدادها از طرف کسانی که کمکشان کردیم صورت نمی‌گیرد. این چیزها از منابعی تأمین می‌شوند که با فکرش را هم نمی‌کنیم. پس راهتان را به سمت ثروتمند شدن ادامه دهید.

شانستان را بر اساس این تعده جهانی امتحان کنید. شانس خود را امتحان کنید. قواعد جهانی همیشه جواب می‌دهند.

گاهی پاسخ کمک‌های ما به همان زمانی که در داستان واقعی بالا صورت گرفت، به سرعت رخ می‌دهد. بعضی اوقات مدت زمان بیشتری طول می‌کشد؛ اما به این قضیه شک نداشته باشید که اگر ببخشید قطعاً پاسخش را دریافت خواهید کرد حتی بیشتر از آن مقداری که بخشیده بودید، به دستتان خواهد رسید.

وقتی تصمیم به بخشش می‌گیرید، با ترس این کار را نکنید، بلکه با قلبی مملو از رضایت عمل کنید. حتماً از چگونگی رخ دادن اتفاقات پس از آن متعجب خواهید شد. درهای وفور نعمت در زندگی‌تان را به وسیله بخشیدن کمی از دارایی خود به کسانی که محتاج هستند، بگشایید. همان طور که معلم بزرگی گفت: "ببخش و بدان که از جای دیگری به تو باز می‌گردد."

امتحان کن، حتماً لذت خواهی برد.

جان هری کرن

"سرگاه کمبودی در هر چیز وجود داشت که این کمبود می‌تواند نیاز به شغل، پول، مشاوره یا حتی بهبود سلامتی باشد. مانعی در جریان زندگی شما قرار گرفته است. موثرترین راه رفع آن مانع چیزی نیست جز بخشیدن!"

اریک باتروود، اقتصاد معنوی: مراحل موفقیت